



بورس منفی شد

شاخص کل بازار بورس دیروز (سه‌شنبه ۲۲ تیرماه) ۴۱۴ واحد افت داشت که در نهایت این شاخص به رقم یک میلیون و ۳۰۳ هزار واحد رسید. بر پایه معاملات دیروز بیش از ۷ میلیارد و ۹۳۵ میلیون سهم، حق تقدم و اوراق بهادار به ارزش ۶۷ هزار و ۳۵۱ میلیارد ریال داد و ستد شد. همچنین شاخص کل (هموزن) با ۳۱۶ واحد کاهش به ۴۰۰ هزار و ۳۳۷ واحد و شاخص قیمت (هموزن) با ۲۰۱ واحد افت به ۲۵۴ هزار و ۷۷۲ واحد رسید.

اخبار

التهاب بازارها در روزهای پایانی دولت

در روزهای اخیر شاهد افزایش قیمت کالاهای اساسی در سطح کشور هستیم. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، قیمت‌برنج ایرانی، مرغ‌ماشینی‌وروغن مایع به‌ترتیب ۴۸/۱۲، ۱۳۵/۶۴ و ۸۹/۱ درصد نسبت به فروردین‌ماه سال گذشته رشد داشته است. فروردین‌ماه سال جاری بود که ربیعی، سخنگوی دولت با اشاره به مساله تثبیت بازار و تلاش برای کاهش تحریم‌ها، گفت: به اطلاع مردم می‌رسانم دولت هیچ برنامه‌ای برای افزایش قیمت‌ها بویژه درباره کالاهای اساسی تا پایان کار خود نخواهد داشت. ۶ میلیارد دلار از بودجه تخصیص برای تامین کالاهای اساسی اختصاص یافته است. از مجموعه ۱۰۰ قلم کالای ضروری بیش از ۲۰ قلم کالای اساسی در ۲ مورد مرغ و روغن دچار اختلال توزیع شده‌اند که تصمیمات ستاد اقتصادی تولید در هر ۲ مورد افزایش یافته و در صورت نیاز واردات صورت گرفته و برنامه متعادل کردن بازار به سرعت انجام خواهد شد. اخیراً نیز وزیر جهاد کشاورزی از تصویب قیمت ۶۴۰۰ تومانی شیر خام خبر داد که حدود ۴۷ درصد نسبت به قبل افزایش دارد؛ همچنین صادرات شیر خشک و دام زنده آزاد شد. گفتنی است این تصمیم نه تنها موجب افزایش قیمت شیر و فرآورده‌های آن می‌شود بلکه آزاد شدن صادرات دام می‌تواند موجب خروج گسترده دام از کشور بویژه دام‌های مولد شود. بررسی داده‌های منتشر شده گمرکات کشور نشان می‌دهد در بنادر و ورودی کشتی‌ها، بیش از ۷ میلیون تن کالا از ۶ قلم کالای اساسی که از ترجیحی از دولت دریافت می‌کنند، دیو شده است، همچنین حدود ۴ میلیون تن نهاده در بنادر وجود دارد که بیشتر آن در بندر امام خمینی(ره) قرار دارد. بر همین اساس می‌توان بخشی از رشد قیمت‌ها را به دیوی این کالاها در گمرکات کشور و کمبود آنها در بازار نسبت داد اما علت اصلی رشد قیمت‌ها را باید در مصوبات دولت جست‌وجو کرد.

نیروگاه‌های برقایی را به دلیل خشکسالی از دست دادیم



مدیرکل دفتر فنی تولید شرکت برق حرارتی گفت: میزان تولید برق نیروگاه‌های حرارتی کشور از ابتدای سال تاکنون با افزایش ۱۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته از مرز ۱۰۶ میلیون مگاوات ساعت انرژی گذشت. اسماعیل نماری افزود: میزان تولید نیروگاه‌های حرارتی در بازه زمانی مشابه سال گذشته ۹۳ میلیون مگاوات ساعت بوده است. وی ادامه داد: در مدار نبودن نیروگاه‌های برقایی به دلیل خشکسالی، گرمای زودرس و نیاز بیشتر شبکه به برق، در مدار نبودن نیروگاه اتسی در برخیاز روزها و تلاش نیروگاه‌ها برای آمادگی حداکثری، از دلایل افزایش تولید انرژی در نیروگاه‌های حرارتی بوده است. مدیرکل دفتر فنی تولید شرکت برق عدم تولید برق توسط سایر مولدهای تولید برق کشور به دلایل یاد شده، سعی کرده‌اند با کوتاه کردن زمان انجام تعمیرات دوره‌ای و رفع اشکالات موردی به وجود آمده در تجهیزات نیروگاهی در کمترین زمان ممکن، ساعات بیشتری را در شبکه برق فعال بوده و کسری ناشی از تولید برق در کشور را جبران کنند. نماری با یادآوری هزینه‌های بالا و دشواری‌های تولید برق در کشور، گفت: در حال حاضر همه نیروگاه‌های حرارتی با حداکثر ظرفیت در حال تولید برق هستند و کارکنان صنعت برق کشور با وجود همه‌گیری سوبه جدید بیماری کرونا و گرمای شدید در تالاند تا نیروگاه‌ها با حداکثر توان در مدار تولید باشند.

قیمت گاز در آمریکا ۲ برابر شد



قیمت گاز طبیعی در آمریکا نسبت به سال گذشته بیش از ۲ برابر شده است. فقط در ۳ ماهه دوم سال ۲۰۲۱، قیمت این حامل انرژی در ایالات متحده ۴۰ درصد رشد کرده که بیشترین افزایش قیمت ۳ ماهه از سال ۲۰۱۶ تاکنون به شمار می‌رود. در ماه جولای متوسط قیمت هر یک میلیون واحد حرارتی انگلیسی گاز در آمریکا ۳/۶ دلار بوده است. گرمای شدید، افزایش صادرات LNG آمریکا و پایین آمدن بیش از حد میزان ذخایر گازی انبارشده آمریکا از جمله دلایلی بوده که در روزهای نخست ۳ ماهه سوم امسال از افزایش قیمت گاز در این کشور حمایت کرده است. کارشناسان بر این باورند طی هفته‌ها و ماه‌های آینده شرایط آب و هوایی و پیش‌بینی موج شدید گرما از جمله عواملی خواهد بود که قیمت گاز را پرترسان کرده و دستخوش تغییر می‌کند. پیش‌بینی می‌شود با بالا رفتن قیمت گاز طبیعی، نیروگاهها در آمریکا دوباره به استفاده از زغال سنگ رو بیاورند. گاز طبیعی تنها رقیب زغال سنگ در تامین سوخت نیروگاههای آمریکاست و بالا رفتن قیمت آن، نیروگاهها را به سمت استفاده دوباره از زغال سنگ سوق می‌دهد. در حال حاضر قیمت گاز طبیعی در آمریکا در بالاترین سطح خود در ۳ سال گذشته قرار دارد. شرایط آب و هوایی سخت به در زمستان گذشته هم در تابستان جاری اوضاع را برای بالا رفتن قیمت گاز طبیعی مساعد کرده است. به‌رغم افزایش قیمت گاز اما تولید این حامل انرژی در آمریکا طی ماه‌های گذشته تقریباً ثابت بوده که دلیل آن کاهش برداشت گاز از میادین نفتی بوده است.



«وطن امروز» در ششمین سالگرد امضای برجام تبعات اقتصادی این توافق را بررسی کرد

افیون برجام

برجام نه تنها دستاورد پایداری در حوزه اقتصاد نداشت، بلکه باعث معطل نگه داشتن ۶ ساله کشور شد

تمام متغیرهای اقتصادی کشور تابعی از کنش کشورهای دیگر شده بود به طوری که انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به شکل بی‌سابقه‌ای اهمیتی ویژه در بین احاد مختلف مردم کشورمان پیدا کرده بود. این در حالی بود که دولت می‌توانست با توانمندسازی اقتصاد ایران در کنار مذاکله فضای عمومی را تغییر و برجام را از تنها راه نجات تبدیل به سرعت‌دهنده حرکت در مسیر نجات کند اما این مهم هیچ گاه دنبال نشد و دولتی که فلسفه حضورش همین مذاکره بود، هیچ‌گاه به سمت توانمندسازی داخلی نرفت.

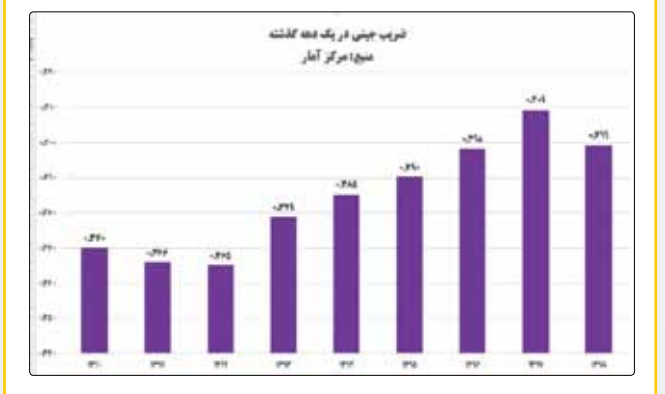
سرمایه‌گذاری خارجی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های خارجی حاصل می‌شد. این فرصت تا حدودی پس از برجام به وجود آمد اما عدم فهم ضعف بنیادین اقتصاد ایران و بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی، باعث شد برجام تنها مخدری برای اقتصاد باشد؛ مخدری که جسم ضعیف اقتصاد کشور را بی‌جان‌تر کرد. بدتر اینکه این اعتیاد در سال‌های بعد هم در دولت ادامه داشت و باعث شد اقتصاد به ورطه شرطی شدن کشیده شود. این اعتیاد به گونه‌ای بود که اقتصاد ایران مدام نهم‌نگاهی به سمت غرب داشت تا مشکلاتش را حل کند و

زخم‌هایی که هنوز هم مردم با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند؛ زخم‌هایی از جنس بحران اقتصادی دی‌ماه ۹۶، گرانی بنزین آبان ۹۸ و صف‌هایی که چند سال است جزو برنامه روتین طبقات متوسط و آسیب‌پذیر شده است. پیش از پرداختن به برجام، باید مدل فکری‌ای را که برجام خروجی آن بود بررسی کرد. سال ۹۲ تفکری زمام دولت را به دست گرفت که اساس توسعه کشور را برون‌گرایی که منجر به رشد اقتصادی شود، می‌دانست. بر اساس همین تفکر، الگویی برای اقتصاد نوشته شد که بر پایه آن رشد اقتصادی ایران تنها از مسیر افزایش

گروه اقتصادی: امروز ششمین سالگرد رسیدن به توافق برنامه جامع اقدام مشترک یا به اختصار برجام است؛ ذیل توافقی هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ با وجود اینکه تولد برجام به ۲۳ تیر ۹۴ بازمی‌گردد اما نقطه آن در مناظرات انتخاباتی سال ۹۲ زمانی گذاشته شد که حسن روحانی وعده چرخیدن همزمان چرخ سانساریفیوژها با چرخ اقتصاد را داد. فارغ از مسائل سیاسی، برجام در حوزه اقتصاد برای ایران در یک کلان‌تصویر، هیچ عایدی‌ای نداشت و حتی می‌توان گفت این توافق زخم‌هایی کاری بر پیکر اقتصاد ایران وارد کرد؛

تشدید شکاف طبقاتی

با آنکه پس از برجام، رفاه نسبی در پی کاهش تورم معطوف به افزایش فروش نفت و ارزیابی گسترده برای واردات انواع و اقسام کالاها در کشور محقق شد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد گشایش‌های ناشی از مذاکره با غرب بدون توجه به الگوی مدیریتی درون‌زا صرفاً باعث بهبود شرایط اقتصادی طبقه فرادست شده و طبقه فرودست از آن نفع کمتری داشته است به طوری که در همین بازه زمانی شاهد افزایش ضریب جینی و افزایش فاصله طبقاتی در کشور بودیم. این یعنی حتی اگر قبول کنیم کیک اقتصاد ایران با رشد اقتصادی بیش از ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده باشد، افزایش آن به‌همند بوده‌اند و نمره چشمگیری برای گروه‌های دیگر جامعه نداشته است. آمارهای مرکز آمار حاکی از آن است پس از برجام شاهد صعود ضریب جینی در کشور بودیم به طوری که یک سال پیش از شروع مذاکرات هسته‌ای (۹۴) ضریب جینی ۳۸/۵۱ بوده که در سال‌های ۹۵ و ۹۶ به ترتیب به ۳۹/۸۱ رسید. این روند ادامه پیدا کرد و در سال ۹۷ به ۴۰/۹۳ رسید. به عبارت دیگر شاخص ضریب جینی در این فاصله ۶/۳ درصد رشد کرده است و این یعنی علوید درآمدهای نفتی و رانتی بیش از اینکه به طبقه‌های فرودست برسد، باعث بهبود شرایط اقتصادی طبقه فرادست در کشور شده است؛ موضوعی که حالا سازمان برنامه و بودجه هم بر آن صحنه گذاشته است. سازمان برنامه و بودجه در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی و تحلیل تغییرات رفاه مادی خانوار» آورده است: «طی ۲ سال پس از رفع تحریم‌ها، رفاه مادی خانوارهای شهری بین ۵ الی ۱۰ درصد بهبود یافته است. بیشترین اثر منفی اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر دهک‌های پایین درآمدی بویژه روستایی و بیشترین نفع از اجرای برجام نصیب خانوارهای پردرآمد (شهری و روستایی) شده است. مثله سایر مطالعات، بیشترین کاهش در سهم و مقدار اجزای مصرف خانوار در بخش خوراکی، طی یک دهه گذشته مشاهده می‌شود و این در حالی است که از سال ۱۳۹۵ با اجرای طرح تحول سلامت، مخارج خانوار در بخش سلامت (بویژه در مناطق روستایی) افزایش شدید داشته است. در این گزارش آمده است: پرداخت‌های انتقالی (اعم از یارانه نقدی و کمک حق بیمه رایگان) به قیمت ثابت از سال ۱۳۹۰ به صورت مستمر و به سرعت کاهش داشته است به نحوی که سال ۱۳۹۷ به یکسوم مقدار سال ۱۳۹۰ رسیده است. درآمد سرانه نیز به قیمت ثابت در همین دوره حدود ۱۱ درصد کاهش داشته است به نحوی که تنها از سال ۹۶ تا ۹۷ نزدیک به ۱۵ درصد کاهش داشته است.



شرطی‌سازی اقتصاد ایران



«تسویه بین‌بانکی»، «سرمایه‌گذاری‌های دوبل»، «محاسبه ریسک بازار» و... را پیشنهاد می‌کند که بانک مرکزی در این سال‌ها باید برای حل این مسائل گام برمی‌داشت.

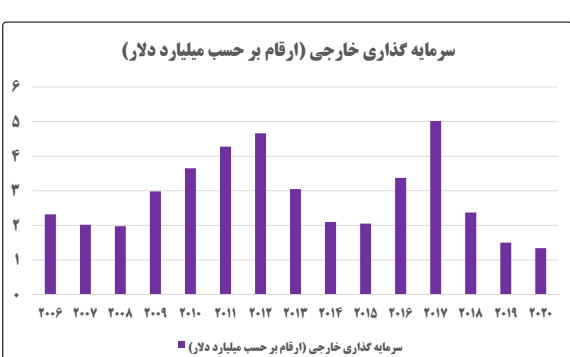
داستان ارز

بنا به دلایل پیچیده‌ای که مردم ما سال‌های سخت را سال‌هایی دیده‌اند که در آن مهار نرخ ارز از دست سیاستگذار خارج شده و سال‌های خوب اقتصادی را سال‌هایی دیده‌اند که در آن، نرخ ارز کنترل شده است، بنابراین معیار ساده‌ای که برای موفقیت یا عدم موفقیت دولت‌ها در نظر می‌گیرند، وضعیت قیمت ارز است و این به عنوان یک فهم عمومی در طبقه سیاسیون ما جا افتاده به همین خاطر، همواره دولت‌ها تمایل دارند قیمت ارز حتی‌الامکان پایین باشد، چرا که افکار عمومی چنین باور و تصویری دارد و آنها را قضاوت می‌کند. دولت‌ها در سال‌های زمامداری خود، روی موج کاهش نرخ ارز سوار می‌شوند و این کاهش حتی‌الامکان قیمت ارز را به عنوان یک کارنامه موفق به افکار عمومی می‌فرشند.

رشد اقتصادی معطل شده!

اقتصاد ایران در چند دهه گذشته در نرخ رشد اقتصادی نوسانات زیادی را تجربه کرده است. بسیاری این نوسانات در رشد را متأثر از اثرپذیری بالای اقتصاد ایران از مسائل بین‌المللی و خارجی می‌دانند که این امر را می‌توان به سبب نقش پررنگ نفت در اقتصاد ایران دانست. اینکه چرا نفت به این اندازه اقتصاد ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بسیار حائز اهمیت است. حجم حقیقی اقتصاد ایران پس از یک دهه فراز و نشیب در نهایت به گونه‌ای شد که می‌توان گفت دوباره به سطح حجم اقتصاد در سال ۹۰ رسیده است، این یعنی یک دهه از دست رفت. بخشی از این نوسانات نیز به دلیل معطل ماندن سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان در فضای اقتصاد ایران است. وقتی روزی وعده توافق داده می‌شود و روزی تهدید بر هم خوردن توافق، موجب نااطمینانی سرمایه‌گذار خارجی و داخلی می‌شود که این مساله سمی برای اقتصاد یک کشور است.

بازنده دیپلماسی اقتصادی



هدف از برجام اصلاً اقتصادی نبود. بجاست جمله معروف رئیس‌جمهور را که حتی مشکل آب آشامیدنی را هم به مساله مذاکرات گره زده بود، مرور کنیم. وی ۱۷ خرداد ۹۴ در مراسمی گفته بود: «اینکه می‌گوییم تحریم ظالمانه باید از بین برود، بعضی‌ها چشم‌هایشان را زیاد تخرن‌چاند! تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه‌بایید، تا مساله محیط‌زیست حل شود، تا اشتغال جوانان حل شود، تا صنعت جامعه حل شود، تا آب خوردن مردم حل شود، تا منابع آبی زیاد شود، تا بانک‌های ما احیا شود...» نکته‌ای که از این سخنان رئیس‌جمهور برمی‌آید، افراط بیش از اندازه در بزرگنمایی برجام و پیوند تمام مشکلات کشور - مشکلاتی که شاید اصلاً حل آنها معطوف به مذاکره نباشد - به برجام است. همین نگاه باعث شد پس از خروج آمریکا از برجام، دولت دیگر ایده‌ای

دیپلماسی و تمرکز بر سیاست خارجی از اصلی‌ترین مباحثی بود که دولت تدبیر و امید بر آن تکیه کرد. چه در شعارهای سیاسی - انتخاباتی و چه بعدها پس از توافق هسته‌ای، دولت همواره بر چیره‌دستی و تبحر خود در مذاکره و سیاست خارجی تأکید می‌کرد و این عرصه را یکی از نقاط قوت خود به حساب می‌آورد.

همین امر باعث شده بود دولت تمام ابعاد سیاست‌گذاری و حکمرانی کشور را به سیاست خارجی و برجام گره بزند و تمام امور دیگر کشور معطوف به این دو بود. آمار میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور نشان می‌دهد حتی در دوران پس‌ابرجام و پس از رفع تحریم‌ها نیز میزان سرمایه‌گذاری خارجی فاصله چشمگیری با میزان سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۲ آن هم در اوج تحریم‌ها علیه کشور ندارد. به نظر می‌رسد دولت با گره زدن تمام ابعاد سیاست خارجی به برجام و معطل ماندن برای تصمیم کشورهای غربی، فرصت‌های زیادی را از دست داده است. کما اینکه در روزهایی که بیشترین فشارهای خارجی بر کشور بود و حتی سایه تحریم‌های شورای امنیت - که دولت به برداشته شدن آنها مفتخر است - بر کشور سنگینی می‌کرد، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر از دوران پس‌ابرجام بوده است. ناکارآمدی داخلی، نبود برنامه‌های مدون جهت توسعه کشور و نبود چشم‌انداز مشخص، همه و همه تبدیل به موانعی در برابر سرمایه‌گذاری خارجی شده که انگیزه و اطمینان را برای سرمایه‌گذاری در کشور کاهش می‌دهد؛ موانعی که امکان برطرف کردن آنها در سال‌های گذشته و حتی با وجود شرایط تحریمی ممکن بود. جالب اما اینکه دولت در ابتدای کار نوید گشایش اقتصادی به واسطه برجام را می‌داد اما پس از آنکه در عمل هیچ کدام از وعده‌ها عملی نشد، آقای ظریف ادعا می‌کرد